

# صادرات غیر نفتی و ۵۰ سال برنامه ریزی اقتصادی

نعمت‌الله متین\*

## مقدمه

«اقتصاد ایران از گذشته‌های دور و از زمانی که نفت جایگاهی برای کسب درآمدهای ارزی بدست آورد، اقتصادی برمبنای اصول تک محصولی بوده است. در بین درآمدهای دولت دو شاخص متوسط سهم ۴۸ درصدی درآمدهای نفتی و متوسط سهم ۸۲ درصدی ارز حاصل از صادرات نفت، در مجموع درآمدهای ارزی کشور طی سالهای اخیر در برنامه دوم، نشان‌دهنده عمق این وابستگی است»<sup>۱</sup>. حتی امروزه نیز نقش نفت در اقتصاد کشور همچنان ادامه داشته و جهت تأمین کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای همواره نقش اساسی ایفا می‌کند. در شرایط فعلی که اهداف کمی و کیفی صادرات کالاهای غیر نفتی کشور در طی برنامه سوم توسعه مشخص شده است، آگاهی از نحوه تنظیم استراتژی صادرات در سالهای قبل از انقلاب اسلامی و شناخت نقاط ضعف این استراتژی‌ها به منظور تجربه‌اندوزی ضرورتی تام دارد. با مروری بر تاریخ برنامه‌ریزیهای اقتصادی کشور جایگاه و اهمیت صادرات

\* - دکتر نعمت‌الله متین؛ عضو هیأت علمی و معاون پژوهشکده تعلیم و تربیت

غیرنفتی آشکار خواهد شد و دلایل دست نیافتن به اهداف توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی معلوم می‌گردد. بنابراین برنامه‌های اجرا شده در این دوران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### برنامه اول عمرانی (۱۳۳۴ - ۱۳۲۷)

«برنامه ۷ ساله اول عمرانی بلافاصله بعد از پایان جنگ دوم جهانی به اجرا گذاشته شد و به دنبال آن دو برنامه ۵ و ۷ ساله دیگر نیز به اجرا درآمد. سال ۱۳۲۷ را می‌توان نقطه رهیافت و آغاز برنامه‌ریزی عمرانی در کشور و ابتدای دوره جدید توسعه نامید.

زیرا در این سال نخستین سند برنامه کشور برای دوره ۷ ساله ۱۳۲۷ - ۱۳۳۴ همزمان و همسو با تأسیس سازمان برنامه و بودجه به تصویب رسید. این برنامه در شرایط کمبود و ضعف منابع مالی و اعتباری تدوین شد که جایگاه درآمدهای ارزی را نشان می‌داد. هدف اصلی این برنامه، توسعه بخش کشاورزی، شبکه حمل و نقل و خدمات اجتماعی بود. در این برنامه به ترتیب ۲۸ درصد برای امور اجتماعی، ۲۵ درصد برای بخش کشاورزی، ۲۳/۸ درصد جهت ساخت زیربنای حمل و نقل، ۱۴/۳ درصد به منظور توسعه صنایع و معادن در نظر گرفته شده بود و بقیه هزینه‌ها در راستای توسعه صنعت و تسهیلات ارتباطی به مصرف می‌رسید. دو سال اول برنامه مصروف به تأسیس سازمان برنامه و بودجه و ایجاد بعضی صنایع شد و به دنبال آن قطع درآمد نفت، اجرای بسیاری از طرحهای پیشنهادی را متوقف ساخت».<sup>۲</sup>

### برنامه دوم عمرانی (۱۳۴۱ - ۱۳۳۴)

برنامه عمرانی دوم همزمان با آغاز دوباره فعالیت در بخش نفت در سال ۱۳۳۲ برای مدت ۷ سال تهیه و به مورد اجرا گذاشته شد. این برنامه به توسعه صنعت، کشاورزی و تأسیسات ساختاری و زیربنایی تأکید داشت که در آن سهم کشاورزی و

آبیاری از بودجه مربوط ۳۱/۱ درصد، سهم حمل و نقل و ارتباطات ۳۹/۸ درصد، سهم خدمات اجتماعی ۱۷/۳ درصد و صنعت و معدن ۱۱/۸ درصد بود. طی این دوره در مجموع تولید ناخالص ملی ۳۴ درصد رشد داشت و راه را برای اجرای ۴ برنامه بعدی هموار و فراهم نمود.<sup>۳</sup>

### برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۲ - ۱۳۴۶)

برنامه عمرانی سوم، بر صنعتی شدن کشور به عنوان استراتژی و ساز و کاری مهم جهت توسعه فراگیر اقتصادی تأکید داشت که در آن، بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنایع سبک ترغیب و تشویق شده بود. در طی این برنامه زیربنای صنعتی درون‌گرا بنا نهاده شد که فاقد مزیت نسبی بود که هنوز هم میراث آن در کشور باقی است.

کارکرد این برنامه در راستای اهداف آن نبود زیرا اکثر صنایع، سرمایه‌بر بودند. هدف اصلی برنامه، مبنی بر بهبود تراز پرداختهای خارجی، اتکا به صنایع داخلی و محدودیت واردات کالاهای مصرفی بود که عملاً محقق نشد، بطوری که افزایش و ارتقای درآمد نفت هم، نتوانست از کسری تراز پرداختهای خارجی جلوگیری کند.<sup>۴</sup>

### برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)

برنامه چهارم با این هدف تدوین شده بود که از طریق اعمال راهبرد صنعتی شدن به روش جاننشینی واردات، ابتدا با تولید مواد اولیه و سپس درآمدهای سرمایه‌ای، اقتصاد ایران را از وابستگی به نفت رها کند اما این هدف هرگز محقق نشد.

### برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲ - ۱۳۵۶)

برنامه پنجم کمی قبل از افزایش قیمت بین‌المللی نفت آغاز شد. بنابراین با

تجدید نظر در ارقام آن، در اواسط کار این برنامه، رقم هزینه‌ای آن به ۲ برابر افزایش یافت. این افزایش موجب شد که سیل کالاهای خارجی به بازار ایران سرازیر شود و بسیاری از کارخانه‌ها را که طی برنامه‌های قبلی به وجود آمده بودند و توان رقابت بین‌المللی نداشتند در وضع ناگواری قرار دهد.<sup>۵</sup>

جدول شماره یک، تصویری روشن از عملکرد برنامه‌های اقتصادی کشور و جایگاه صادرات غیرنفتی طی یک دوره ۲۵ ساله را به نمایش می‌گذارد و می‌توان در آن به مقایسه ارقام مربوط به صادرات کالاهای غیرنفتی و صادرات نفت پرداخت.

**جدول ۱ - نسبت صادرات نفت به کل صادرات کالاهای خدمات ۱۳۶۱ - ۱۳۳۸  
(به قیمت‌های ثابت به میلیارد ریال و میلیارد دلار و درصد)**

سال	کل صادرات	صادرات نفت	درصد	سال	کل صادرات	صادرات نفت	درصد
۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲
۱۳۳۸	۲۵۱/۱	۲۲۴/۸	۸۹/۵	۱۳۳۶	۶۶۰/۰	۶۲۷/۵	۹۵/۱
۱۳۳۹	۲۷۶/۹	۲۵۴/۰	۹۱/۴	۱۳۳۷	۷۵۴/۱	۷۱۵/۳	۹۴/۹
۱۳۴۰	۳۱۱/۴	۲۸۴/۷	۹۱/۴	۱۳۳۸	۸۹۲/۰	۸۵۱/۵	۹۴/۵
۱۳۴۱	۳۵۱/۰	۳۲۷/۰	۹۳/۲	۱۳۳۹	۱۰۰۵/۳	۹۵۹/۴	۹۵/۴
۱۳۴۲	۳۸۶/۵	۳۶۱/۴	۹۳/۵	۱۳۵۰	۱۱۷۸/۶	۱۱۱۷/۶	۹۴/۸
۱۳۴۳	۴۲۴/۱	۴۰۷/۱	۹۳/۹	۱۳۵۱	۱۳۴۷/۵	۱۲۷۶/۸	۹۴/۷
۱۳۴۴	۵۰۵/۵	۴۷۳/۲	۹۳/۶	۱۳۵۲	۱۰۵۱/۴	۱۴۲۶/۴	۹۵/۰
۱۳۴۵	۵۶۸/۰	۵۳۹/۱	۹۴/۹	۱۳۵۳	۱۴۷۸/۰	۱۴۰۴/۲	۹۵/۰

(۱) ارقام مربوط به پس از سالهای ۱۳۵۷، به میلیارد دلار و به قیمت جاری بوده و صادرات گاز نیز به حساب آمده است.

مأخذ: ارقام صادرات بدون نفت و صادرات نفتی تا سال ۱۳۵۷ از حسابهای ملی ایران، ۵۶ - ۱۳۳۸، (بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۰، صفحات ۴۹۲ و ۴۹۳) و سالهای بعد تا سال ۱۳۶۱ از گزارش اقتصادی و ترانزنامه ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲، (بانک مرکزی ایران به ترتیب صفحات ۲۱۲ تا ۲۰۰).

در سالهای دوره ۵۶ - ۱۳۳۸ اقتصاد کشور مبتنی بر برنامه‌های تدوین شده بود. تنها در سال ۱۳۳۸ صادرات نفت اندکی کمتر از ۹۰ درصد کل صادرات بوده و در سالهای بعد نیز بتدریج با رشد سریع درآمد نفت و رشد نامتناسب درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی، تا سال ۱۳۵۸ ادامه یافت. ولی با کاهش سریع درآمد صادرات غیرنفتی از این سال به بعد، اهمیت نفت در کل صادرات ایران به طور مستمر افزایش یافت. حتی طی سالهای ۱۳۵۷ به رغم کاهش صادرات نفتی، اهمیت آن از حدود ۸۵/۵ درصد کل صادرات پایین‌تر نیامد.

به این ترتیب طی دوران ۲۳ ساله ۶۱ - ۱۳۳۸، میزان صادرات غیرنفتی بجز ۴ سال، هیچگاه از ۱۰ درصد کل صادرات تجاوز نکرد و در آن ۴ سال از ۲۰ درصد نیز بیشتر نشد. در نتیجه نسبت صادرات غیرنفتی به صادرات نفتی، به‌طور کلی مملو از سیر نزولی بوده و بجز در سالهای استثنایی همیشه سهم ناچیزی از صادرات را داشته‌است.

این مسئله را می‌توان نشان‌دهنده عدم اجرای مناسب برنامه‌ها و فقدان یک استراتژی صحیح صادرات غیرنفتی در برنامه‌های دولت تلقی نمود.<sup>۶</sup> با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، مجدداً برنامه‌ریزی اقتصادی بر مبنای اهدافی تازه در چارچوب نیازها و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی مورد نظر قرار گرفت.

## برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور دچار جنگی تحمیلی و ناخواسته شد و شرایط اجرای برنامه اقتصادی جامع را با موانعی مواجه ساخت. در این برهه، خساراتی بالغ بر یک هزار میلیارد دلار به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر پیکره اقتصاد کشور وارد شد. پس از اتمام جنگ، نخستین برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی

پنج ساله به اجرا درآمد.

در این برنامه، رشد تولید ناخالص ملی اقتصاد کشور بطور میانگین ۷/۷ درصد ارزیابی شد که پس از سالها رکود اقتصادی، دستاورد نسبتاً مثبتی محسوب می‌شد. در این برنامه بیشترین توجه به امور زیربنایی معطوف گشت. در اواسط برنامه به دلیل بروز جنگ خلیج فارس قیمت نفت تا بشکه‌ای ۲۵ دلار افزایش یافت و درآمد ارزی کشور از میزان پیش‌بینی برنامه فراتر رفت، ولی متأسفانه واردات بیش از حد کالاهای مصرفی موجب شد که کشور در پایان برنامه دچار کسری تراز پرداختهای ارزی شود. این امر، نشانگر عدم رشد صادرات کالاهای غیرنفتی و تداوم اقتصاد مبتنی بر درآمد نفت بود.

### **برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸)**

پس از پایان برنامه پنج ساله اول توسعه در سال ۱۳۷۲ می‌بایست برنامه دوم از سال ۱۳۷۳ آغاز شود. اما متأسفانه به دلیل برخی مشکلات و چالشهای موجود این امر تحقق نیافت. لذا برنامه دوم از سال ۱۳۷۴ آغاز شد. در برنامه دوم رویکرد اصلی دولت، بر محور قرار دادن بخش کشاورزی به عنوان اساس و مبنای توسعه اقتصادی معطوف بود. این برنامه به دلیل نوسانات حاکم بر قیمت نفت در بازارهای جهانی و عدم توفیق کامل دولت در اجرای بهینه طرحهای خصوصی‌سازی و اصلاح ناکارآمد شرکتهای دولتی و سایر مسائل با توفیق کامل مواجه نشد، اما در زمینه‌های معینی از برنامه‌های زیربنایی عمرانی کشور پیشرفتهای نسبتاً خوبی حاصل شد.<sup>۷</sup>

### **برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی (۱۳۷۹ - ۸۳)**

در این برنامه جایگاه توسعه صادرات غیرنفتی تحت عنوان جهش صادرات غیرنفتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صادرات کالاها و خدمات از جمله اولویتهای سیاست اقتصادی کشور است و صادرات غیرنفتی، می‌بایست با اهداف ذیل

مدنظر قرار گرفته و گسترش یابد:

- ۱ - کمک به ارتقاء کیفی و بهبود مدیریت کالاها و خدمات واحدهای تولیدی صنعتی، کشاورزی و خدماتی، و بدست آوردن توان رقابت با کالاها و خدمات خارجی.
- ۲ - افزایش سهم اقتصاد ایران و ارتقاء موقعیت آن در تجارت بین‌المللی و اقتصاد جهانی.

جهت رسیدن به این اهداف، برنامه‌ها و تصمیمات ذیل در نظر گرفته شده‌است:

الف - تهیه و تصویب فهرست کالاهای قابل صدور؛ این فهرست برای یک دوره معین و قابل قبول تغییر نخواهد کرد.

ب - تشویق و توسعه صادرات با ارزش افزوده بالاتر.

پ - تسهیل مراحل و مقررات اجرایی برای صدور کالا.

ت - تشویق قراردادهای بیع متقابل، یا مشارکت شرکتهای خارجی برای سرمایه‌گذاری و صدور بخشی از کالاهای تولید شده به بازارهای بین‌المللی.

ث - اتخاذ تدابیر و سازماندهی لازم برای هماهنگ کردن فعالیتهای چندجانبه، که باید با هماهنگی و همکاری چند دستگاه اجرایی مختلف دولتی انجام شود، ضمناً ضرورت دارد که مراقبت لازم برای خنثی نشدن فعالیت یک دستگاه توسط دستگاههای دیگر به عمل آید.<sup>(۱)</sup>

برای ارائه تصویری روشن از عملکرد برنامه‌های اقتصادی کشور و جایگاه صادرات غیرنفتی، طی سالهای (۱۳۷۷ - ۱۳۶۱)، یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان در چارچوب برنامه‌های اول و دوم توسعه با توجه به جدول شماره ۲، ارقام مربوط به صادرات غیرنفتی و نفتی سرانه این دوره را با یکدیگر مقایسه نمود.

۱- برگرفته از طرح ساماندهی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

## جدول شماره ۲ - صادرات نفتی و غیرنفتی (۱۳۶۱ - ۱۳۷۷)

سال	صادرات نفتی (میلیون دلار)	صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	صادرات نفت سرانه (دلار برنفر)	صادرات غیرنفتی سرانه (دلار برنفر)
۱۳۶۱	۲۱۷۹۸	۲۸۴	۴۲/۴۲۰	۵۱۴	۷
۱۳۶۲	۲۱۱۵۰	۳۵۷	۴۴/۰۷۷	۴۸۰	۸
۱۳۶۳	۱۶۷۲۶	۳۶۱	۴۵/۷۹۸	۳۶۵	۸
۱۳۶۴	۱۳۷۱۰	۴۶۵	۴۷/۵۸۷	۲۸۸	۱۰
۱۳۶۵	۶۲۵۵	۹۱۶	۴۹/۴۴۵	۱۳۶	۱۸
۱۳۶۶	۱۰۷۵۵	۱۱۶۱	۵۰/۶۶۲	۲۱۲	۲۳
۱۳۶۷	۹۶۷۳	۱۰۳۶	۵۱/۹۰۹	۱۹۶	۲۰
۱۳۶۸	۱۲۰۳۷	۱۰۴۴	۵۳/۱۸۷	۲۲۶	۲۰
۱۳۶۹	۱۷۹۹۳	۱۳۱۲	۵۴/۴۹۶	۳۳۰	۲۴
۱۳۷۰	۱۶۰۱۲	۲۶۴۹	۵۵/۸۳۷	۲۸۷	۴۷
۱۳۷۱	۱۶۸۸۰	۲۹۸۸	۵۶/۶۵۶	۲۹۸	۵۲
۱۳۷۲	۱۴۴۴۴	۳۷۴۷	۵۷/۴۸۸	۲۴۹	۶۵
۱۳۷۳	۱۴۶۰۳	۴۸۳۱	۵۸/۳۳۱	۲۵۰	۸۳
۱۳۷۴	۱۵۱۰۳	۳۲۵۷	۵۹/۱۸۷	۲۵۵	۵۵
۱۳۷۵	۱۹۲۷۱	۳۱۲۰	۶۰/۰۵۵	۳۲۰	۵۲
۱۳۷۶	۱۵۴۷۴	۳۰۴۲	۶۰/۹۵۵	۲۵۴	۵۰
۱۳۷۷*	۹۹۴۸	۳۰۲۵	۶۱/۸۷۰	۱۶۰	۴۹

مأخذ: سازمان تحقیقات «اقتصاد ایران»<sup>۱</sup>

\* - ارقام از سال ۱۳۷۷ بر آورد شده است. (محاسبه از سال ۱۳۶۱ منظور گردید).

جدول شماره ۲ نشان می دهد که در آمد حاصل از صادرات نفتی در سال ۱۳۶۸



مبلغ ۱۲۰۳۷ میلیون دلار بوده است و در مقابل صادرات غیرنفتی بر ۱۰۴۴ میلیون دلار بالغ شده است. در سال ۱۳۷۷ تقریباً همزمان با پایان برنامه دوم، صادرات نفتی به ۹۹۴۸ میلیون دلار و در مقابل صادرات غیرنفتی، به مبلغ ۳۰۲۵ میلیون دلار می‌رسد، اگرچه میزان صادرات غیرنفتی نسبت به شروع برنامه، افزایش چندان زیادی نشان نمی‌دهد، اما صادرات نفت سرانه در پایان دو برنامه یعنی در سال ۱۳۷۷ نسبت به صادرات غیرنفتی سرانه، سه برابر می‌باشد که این خود نشان‌دهنده میزان وابستگی درآمد ملی کشور به نفت می‌باشد. با اینکه صادرات غیرنفتی از مزیت مناسبی برخوردار نیست، با کمی دقت در ارقام این نوع از صادرات، طی یک دوره ۵ ساله (۱۳۷۷ - ۱۳۷۲) متوجه می‌شویم که این صادرات، از ۳۷۴۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲، به ۳۰۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است. به عبارتی طی این دوره پیشرفت و تأثیر چندان‌انی در توسعه صادرات به چشم نمی‌خورد.<sup>۹</sup>

صادرات غیرنفتی یکی از بخشهایی بوده که در گذشته هرگز به آن اهمیتی داده نمی‌شد و در تأمین نیازهای ارزی کشور هیچگاه نتوانست نقش مهمی را ایفا نماید.

تکیه به درآمدهای نفتی و بازبودن بازارهای مصرف طی سالیان متمادی، مانع از چاره‌اندیشی جهت افزایش صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در ترکیب آن به نحو اساسی بوده است. بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ صادرات غیرنفتی بطور متوسط ۲۱ درصد نیازهای ارزی مربوط به واردات را تأمین می‌کرد. در خلال سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲ این نسبت به ۲۶ درصد تقلیل یافت. در این زمان با افزایش شدید درآمد ارزی کشور از طریق صدور نفت این رقم از ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ به ۵ میلیارد دلار در سال ۵۲ و ۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ رسید. با از میان رفتن اهمیت صدور کالاهای غیرنفتی طی سالهای ۵۳ تا ۱۳۵۷، سهم صادرات غیرنفتی در تأمین نیازهای وارداتی کشور به کمتر از ۵ درصد رسید.

در برنامه اول توسعه، صادرات غیرنفتی از ۱/۰۴ میلیارد دلار در سال اول برنامه (۱۳۶۸) با رشد سالانه ۸/۸ درصد به ۲/۷۵ میلیارد دلار در پایان برنامه (سال

۱۳۷۲) افزایش یافت و درآمد ارزی در این دوره به حدود ۱۱/۷۴ میلیارد دلار رسید. در برنامه دوم توسعه، صادرات غیرنفتی از ۴/۸۲ میلیارد دلار در سال اول برنامه (۱۳۷۳)، با کاهش متوسط سالانه ۸ درصد، به ۳/۰۲ میلیارد دلار در پایان سال برنامه دوم (۱۳۷۷) رسید و جمع درآمدهای ارزی این دوره بالغ بر ۷/۱۲ میلیارد دلار شد. در اینجا ذکر این نکته قابل توجه است که پیش‌بینی درآمد ارزی در این دوره از محل صادرات غیرنفتی، معادل ۲۸ میلیارد دلار با رشد متوسط سالانه ۸/۴ درصد برآورد شده بود که در واقع با کسب درآمد ارزی ۱۷/۱۲ میلیارد دلار در این دوره، تنها معادل ۶۱ درصد از پیش‌بینی تحقق یافت.<sup>۱۱</sup>

## آیا می‌توان صادرات غیر نفتی را در دهه قبل و دو دهه بعد از انقلاب (۱۳۷۷) قابل ملاحظه دانست؟

میزان متوسط سالانه صادرات غیرنفتی در سالهای دهه قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۷ و سالهای دهه اول و دهه دوم بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۷ به ترتیب ۰/۳، ۰/۶ و ۲/۹ میلیارد دلار بوده است و بر اساس این ارقام مقدار صادرات غیرنفتی در دو دهه اخیر به میزان ۲ و ۱۰ برابر افزایش یافته است.<sup>۱۱</sup> این میزان افزایش، با توجه به رشد جمعیت (جدول شماره ۲)، میزان تورم، حجم رشد صادرات در سایر کشورها و افزایش واردات نمی‌توان چندان قابل ملاحظه تلقی کرد. در این خصوص بی‌مناسبت نیست به نتایج ۵۰ سال تجارت جهانی و رشد صادرات کالاهای غیرنفتی در فاصله سالهای ۱۹۸۸-۱۹۴۸ اشاره کنیم.

### جدول شماره ۳ - نتایج ۵۰ سال تجارت جهانی

معیار	واحد	۱۹۴۸	۱۹۹۸	متوسط نرخ رشد سالانه ۱۹۴۸-۹۸
صادرات کالاهای خدمات جهان	میلیارد دلار	۵۸	۵۲۳۵	۹/۴۲
صادرات سرانه مردم جهان	دلار	۲۴	۸۷۶	۷/۴۶
صادرات کالاهای صنعتی	میلیارد دلار	۲۲	۳۹۹۵	۱۰/۹۶
صادرات کالاهای غیرنفتی	میلیارد دلار	۳۶	۱۲۴۰	۷/۳۴
تولید کل جهان	میلیارد دلار	۳۵۰۰	۲۹۲۳۶	۳/۸۱
تولید سرانه جهان	دلار	۱۹۵۸	۴۸۹۳	۱/۸۵
نسبت صادرات به تولید در جهان	درصد	۱/۲۹	۱۷/۹۱	۵/۴۰

WB, VN, IMF, GATT, WTO

منبع:

پنجاه سال تجارت جهانی از ایجاد گات در سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۹۸ با روندهای خارق العاده‌ای در تولید و تجارت همراه بوده است. امروزه تولید سرانه جهان، بیش از دو برابر و نیم پنجاه سال گذشته است. با آنکه تولید کل جهان به طور متوسط سالانه ۳/۸ درصد افزایش یافته، صادرات کالاهای و خدمات سالانه به میزان ۹/۴۲ درصد سیر صعودی داشته است. مقایسه اعداد و ارقام جدول فوق با آنچه که در جدول شماره ۱ و ۲ آمده است نشان دهنده سهم و جریان کند و ناچیز صادرات کالاهای غیرنفتی در اقتصاد کشور است.<sup>۱۲</sup>

### دلایل ناکامی در توسعه صادرات غیرنفتی چیست؟

شکست برنامه‌های اقتصادی و به طور کلی عدم رشد موزون و پویا در اقتصاد ملی طی سالهای گذشته دلایل مختلفی داشته است. وابستگی‌های تاریخی، مدیریت ناکارآمد، برنامه‌های فاقد بینش علمی و متکی به سلیقه‌ها، سیاستهای جهانی، اقتصاد

متکی بر نفت، سرمایه‌گذاریهای ناچیز در امور زیربنایی، کم بها دادن به توسعه منابع انسانی از جمله دلایل مهم عقب‌ماندگی و ناکامی در توسعه بخصوص توسعه صادرات غیرنفتی، بوده است. با توجه به اینکه بررسی تمامی عوامل فوق در این مقاله نمی‌گنجد، واقعیت امر این است که اقتصاد متکی بر نفت، و عدم سرمایه‌گذاری درآمدهای حاصل از آن در اقتصاد کشور از جمله دلایلی هستند که موجب ناکامی در توسعه صادرات غیرنفتی در کشور شده‌اند که در ذیل به اختصار هر یک از این مقوله‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**الف:** اگر بخواهیم تصویر بهتری از تشکیل سرمایه در اقتصاد کشور داشته باشیم، بهتر است به سرمایه‌گذاریهای خالص، آن هم به صورت سرانه و به قیمت‌های ثابت مراجعه نماییم. در سال ۱۳۳۵، سرانه حدود ۷۹۷۰۰ ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۶۱) برای رشد آتی و نسل‌های بعدی سرمایه‌گذاری می‌شد، این رقم در سال ۱۳۵۶ به ۷۰۵۰۰ ریال و سپس با یک روند کاهش شدید به ۲۴۷۰ ریال در سال ۱۳۶۷ رسید. با شروع بازسازی اوضاع به طور نسبی بهبود یافت، به طوریکه با رشد تدریجی در سال ۱۳۷۳ این رقم به حدود ۱۳۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۷۴ به ۱۳۳۰۰ ریال و در سال‌های بعد به حدود ۱۵۰۰۰ ریال رسید.<sup>۱۳</sup> اینک لازم است درآمدهای حاصل از نفت را در سه دهه گذشته محاسبه نماییم تا به مستندات واقعی‌تری برسیم.

باتوجه به جدول ذیل، نسبت دریافتی‌های ارزی کشور و تشکیل سرمایه در دوره‌های ذکر شده، نشان‌دهنده بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری ثابت است. اینک این پرسش طبیعی مطرح می‌شود که با بقیه این منابع عظیم مالی چه کرده‌ایم؟ پاسخ به این پرسش کاملاً واضح است؛ این منابع را جهت هزینه‌های مصرفی خصوصی و دولتی بکار برده‌ایم.

## جدول شماره ۴ - نفت، سرمایه و رشد در سه دهه گذشته

معیار	دهه پیش از انقلاب ۱۳۴۸ - ۱۳۵۷	دهه اول انقلاب ۱۳۵۸ - ۱۳۶۷	دهه دوم انقلاب ۱۳۶۸ - ۱۳۷۷
جمع دریافتیهای ارزی کشور حاصل از صدور نفت و گاز (میلیارد دلار) <sup>(۱)</sup>	۱۰۹	۱۴۲	۱۵۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (میلیارد ریال ۱۳۶۱) <sup>(۲)</sup>	۱۸۴۹۳	۱۸۶۴۷	۲۰۴۴۵
رشد محصول ناخالص داخلی در طی هر دوره به قیمتهای ثابت (درصد) <sup>(۳)</sup>	۱۱۰/۷	-۹/۴	۶۴/۲

(۱) مأخذ: ترازنامه‌های بانک مرکزی در سالهای مختلف

(۲) مأخذ: آمارهای اقتصادی ۷۴ - ۱۳۳۸ معاونت امور اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی

(۳) مأخذ: منبع فوق با احتساب ۵/۲، ۲/۹، ۱/۷ درصد رشد اقتصادی به ترتیب برای

سالهای ۷۷ - ۱۳۷۵

**ب:** واقعیت دوم که شاید از واقعیت اول هم مهمتر باشد، اقتصاد متکی بر نفت

است که موجبات عدم اجرای برنامه‌ها و در نتیجه توسعه صادرات را بمدت پنجاه سال به تأخیر انداخته است. به همین دلیل در زیر به بخشی از آثار منفی درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور اشاره می‌شود. اصولاً وابستگی درآمدهای کشور به نفت از مهمترین چالشهای اقتصادی حاکم بر کشور است که آثار سوئی بر اقتصاد کشور ما به جای

گذاشته است.

بر اثر وابستگی واردات و صنایع کشور به درآمدهای نفتی، شوکهای غیرمترقبه‌ای به صنایع کشور ما وارد می‌شود و حتی حمایت‌های مداوم دولت طی دهه‌های گذشته نیز نتوانسته است منجر به خودکفایی صنایع گردد.

کاهش درآمدهای دولت، کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی را به دنبال دارد که عوارض سوء آن بر توسعه اقتصادی و اجرای پروژه‌های عمرانی، در طی برنامه‌ها برکسی پوشیده نیست. نکات زیر را می‌توان از آثار منفی اقتصاد متکی بر نفت و نتیجه ۵۰ سال عملکرد اقتصادی متکی بر نفت به حساب آورد.

● برخورداری طولانی مدت دولت از درآمد ناشی از فروش نفت، عملاً ساختار بودجه کشور را به شکل بیمار گونه‌ای تبدیل نموده است.

● به دلیل واردات بیش از صادرات و تراز منفی در بازرگانی خارجی انگیزه تولید در داخل کشور بشدت کاهش یافته است.

● فرهنگ جامعه بشدت به سمت مصرف کالاهای خارجی تمایل نشان داده است.

● اقتصاد دچار ثوعی بحران دائمی شده است.

● در طول سالها، تراز بازرگانی همواره به سود کشورهای دیگر در جریان بوده است.

● حضور گسترده و مستمر این بخش در اقتصاد ایران عملاً سبب شده است که سایر بخشهای اقتصادی وابستگی شدیدی به عملکرد این بخش احساس کنند.

● درآمدهای نفتی، رانت‌سازی را در جامعه توسعه داده و به اختلافات طبقاتی دامن زده است.

● درآمدهای نفتی، اقتصاد دولتی را در کشور حمایت نموده و از پیوستن آن به اقتصاد آزاد جلوگیری به عمل آورده است.

● اقتصاد نفتی باعث گردیده که از سایر منابع موجود بخصوص در بخش

کشاورزی و نیروی انسانی، بهره‌برداری لازم به عمل نیاید.

اقتصاد متکی بر نفت موجب شده‌است تولید ناخالص داخلی به ۶۸ میلیارد دلار برسد. جمعیت کشور با افزایش سریع به ۶۴/۸۰ میلیون نفر بالغ شده و درآمد سرانه در سطح ۱۰۵۰ دلار محدود شده‌است و با تورم ۲۵ درصدی رشد اقتصادی در سطح پایین ۲/۱ درصد باقی می‌ماند.<sup>۱۴</sup> نتایج اقتصاد متکی بر نفت در بودجه سال ۱۳۷۹ دولت به وضوح روشن است. درصد درآمدها و دریافتی‌های دولت از بودجه کل کشور به شرح زیر است:

درآمد نفت ۴۹ درصد، درآمد مالیات ۳۱ درصد، سایر درآمدها ۲۰ درصد، که درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها در نهایت به دلایل عدم توفیق دولت، دسترسی به آنها منجر به ضرر و زیان خواهد شد و اثرات سوء بر اقتصاد کشور خواهد داشت.<sup>۱۵</sup>

## آیا برنامه سوم توسعه قادر به توسعه صادرات خواهد بود؟

سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۸۳ - ۱۳۷۹) هم اکنون در حال اجراست. در این برنامه در بخش بازرگانی خارجی توجه ویژه‌ای به جهش صادرات غیرنفتی مبذول شده و انتظار می‌رود تا پایان این برنامه، ارزش صادرات غیرنفتی در مجموعه درآمدهای ارزی کشور به بیش از دو برابر برنامه دوم برسد.

در برنامه سوم توسعه درآمد ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی براساس یک رشد متوسط سالانه ۱۵/۸ درصد، معادل ۳۴ میلیارد دلار، یعنی معادل حدود دو برابر رشد پیش‌بینی شده در برنامه دوم توسعه برآورد شده‌است. به نظر می‌رسد تحقق واقعی این پیش‌بینی با توجه به عملکرد گذشته و موقعیت موجود در بخشهای صنعتی، کشاورزی، مواد معدنی، مواد آلی، فرش، صنایع دستی و سایر کالاها بسیار غیر محتمل باشد. البته در صورت عدم تحقق این مقدار درآمد ارزی پیش‌بینی شده از صادرات غیرنفتی، کسری تراز تجاری شدیدتری ایجاد خواهد شد و مشکلات اقتصادی

مضاعفی به وجود خواهد آمد. برای مشخص نمودن چگونگی روند صادرات غیرنفتی و عملکرد آن نسبت به برنامه‌های مصوب، به تحقق عملکرد صادرات غیرنفتی طی ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۹، برحسب بخشهای مختلف اقتصادی، باتوجه به ارقام پیش‌بینی شده برنامه سوم اشاره می‌شود.

**جدول شماره ۵- درصد تحقق عملکرد صادرات غیرنفتی نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در برنامه سوم در شهریور ماه و ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۹ برحسب بخشهای مختلف اقتصادی (میلیون دلار)**

گروه کالاها	عملکرد صادرات	ارقام پیش‌بینی شده	درصد تحقق عملکرد	عملکرد صادرات	پیش‌بینی برنامه برای	درصد تحقق عملکرد
	شهریورماه*	در برنامه دوم	برنامه در شهریورماه	در ۶ ماهه اول**	۶ ماهه اول	۶ ماهه
کشاورزی	۵۸	۷۹/۳	۷۳/۱	۳۰۱/۵	۴۷۶	۶۳/۳
صنعتی و پتروشیمی	۱۶۴/۳	۱۹۲/۵	۸۵/۴	۸۵۱	۱۱۵۵	۷۳/۷
معدنی	۶/۴	۴۱/۷	۱۵/۴	۳۹/۷	۲۵۰	۱۵/۹
فرش و صنایع دستی	۶۰/۳	۶۲/۵	۹۶/۵	۳۰۲/۴	۳۷۵	۸۰/۶
جمع**	۳۱۴/۹	۳۸۱/۸	۸۲/۵	۱۵۸۸/۶	۲۲۹۰/۵	۶۹/۳

\* بدون احتساب خدمات و با احتساب صادرات چمدانی و بازارچه‌های مرزی  
 مأخذ: دفتر آمار و خدمات ماشین‌ساز - گمرک جمهوری اسلامی ایران

توجه به ارقام جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که صادرات فرش و صنایع دستی در مقایسه با پیش‌بینی‌ها بیش از همه، و کالاهای معدنی کمتر از باقی موارد درصد تحقق داشته‌است. ادامه این وضعیت برای کالاهای کشاورزی و صنعتی و پتروشیمی



و بخصوص معدنی، موجب عدم تحقق ارقام برنامه برای صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۹ خواهد شد.

## رویکردهای تدوین برنامه سوم توسعه و ضرورت استراتژی نوین توسعه صادرات غیرنفتی

«دولت جمهوری اسلامی ایران در یک ارزیابی کلی از بیش از نیم قرن تجربه تدوین برنامه‌های توسعه به سه نکته اساسی به عنوان شرایط توفیق برنامه رهنمون گردید:

اول آنکه بهبود شرایط کشور در گرو پرداختن همه جانبه به اداره امور است و توجه صرف به یک جنبه خاص، مثلاً توسعه صادرات غیرنفتی و غفلت از سایر امور، موجب عدم توفیق حتی در جنبه‌های خاص موردنظر خواهد بود. لذا دستیابی به توسعه متوازن و همه جانبه، یک شعار اساسی و تعیین کننده در برنامه است.<sup>۱۶</sup>

دومین شرط آن است که برنامه، رویکرد سیاستگذاری به مسائل داشته باشد و در برگیرنده الزامات سیاستی و نهادی برای رفع مهمترین تنگنای توسعه کشور باشد.<sup>۱۷</sup>

سومین شرط توفیق برنامه، مشارکت هماهنگ همه ارکان نظام تصمیم‌گیری کشور، در یک قالب منسجم و سازمان‌یافته و مبتنی بر اتصال با نظام کارشناسی است. در حقیقت از این طریق است که می‌توان به یک وفاق ملی به عنوان پشتوانه اجرای موفق برنامه دست یافت.»

برای هیچ‌کس جای شک و شبهه‌ای باقی نمانده است که به کارگیری صرفاً مکانیکی هر نظریه پیامدهای فاجعه باری را به دنبال خواهد داشت. دیدگاه متکی به تعدیل و تطبیق که ناشی از برداشتهای غلط از حوادث و روندهای گذشته، حال و آینده ملی - جهانی است، در نهایت از چارچوب نظری، مکانیکی خارج نمی‌شود و در حد افزایش، کاهش، تأثیر متقابل، شدت و ضعف و بالاخره حد و حدود کمی و رقمی باقی

می‌ماند و به کنه پدیده‌ها معطوف نمی‌شود. اقتصاد سیاسی آشکار نموده است که چون عقب‌ماندگی هر کشور به شیوه خاص خودش در روندی تاریخی - جهانی اتفاق افتاده است، لذا امر توسعه آن نیز تنها در یک فرایند ویژه دیگر تاریخی تحقق می‌یابد. از این نظر، برای رهایی از وضعیت عقب‌ماندگی، دو خط سیر تحقیقی در نظر گرفته می‌شود که یکی به ویژگی‌های بنیادین هر کشور مرتبط است و دیگری با استفاده از اقتصاد سیاسی مسیرهای توسعه سایر کشورها را مورد مذاقه قرار می‌دهد. در خصوص خط سیر تحقیق اول، در مورد ایران، صرف‌نظر از ویژگی‌های تاریخی و جغرافیائی آن، یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان عقب‌ماندگی در یک صدساله اخیر اقتصاد متکی بر نفت بوده است.<sup>۱۸</sup> اگرچه نفت منبع کمیاب و کارآی انرژی است که می‌تواند در حوزه وسیعی، در تولید انرژی و تولید فرآورده‌های صنعتی بی‌شمار مورد استفاده قرار گیرد، ولی از نظر کشور تولیدکننده مضراتی دارد.

۱) تولید و صدور نفت جز در بدو امر، تقریباً نه‌تنها هیچ احتیاجی به ابزار تولید بومی ندارد، بلکه در حد بسیار ناچیزی مشارکت نیروی کار بومی را می‌طلبد. لذا منافع حاصل از این درآمد، میان نیروی کار و سرمایه بخش خصوصی و دولتی تقسیم نمی‌شود.

۲) نفت به صورت منبع درآمدی سرشار و مستقل برای دولت به حساب می‌آید که این خود موجب می‌شود که دولت نقش بزرگ مالکان را ایفا نماید.

۳) عواید حاصله از نفت، به مفهوم فنی آن، نوعی بهره مالکانه است که به جای آنکه دولت را به ملت وابسته کند، ملت را به دولت محتاج می‌سازد و در مجموع منجر به تحمیل الگوی مصرف پرهزینه بر دولت می‌شود و یکی از عوارض آن مهاجرت روستائیان به شهرها می‌شود.<sup>۱۹</sup>

بر این اساس بدیهی است که به کارگیری هر الگوی نظری توسعه، بدون در نظر گرفتن این ویژگی‌ها که مختصراً یکی از آنها مورد توجه قرار گرفت قطعاً به شکست می‌انجامد.

اما، آموزه‌هایی که از توسعه اقتصاد سیاسی و اثرات مطلوب آن به دست می‌آید، با هر گونه ساده‌انگاری در تعارض است. از این دیدگاه، توسعه براساس موازین علمی، حاصل کارکرد ارتباطی وسیعی و چندجانبه میان ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، علمی، فنی، اقتصادی، مدیریت، زیربنایی، معیشتی و بالاخره بین‌المللی است که تابع قوانین کاملاً شناخته شده‌ای هستند. که برای مثال می‌توان به چند مورد آنها اشاره کرد:

۱- قانون فراگیری: توسعه بدون توسعه همه ساختارها ممکن نیست.

۲- قانون عدم توازن: توسعه همه ساختارها به صورت هماهنگ ممکن نیست.

۳- قانون اصطکاک: در فرایند ناهماهنگ تحول ساختارهای مختلف، الزاماً

ساختارهای مزبور در تصادم با یکدیگر قرار می‌گیرند.

۴- قانون التهاب: شکافهای ساختاری، فرایند پیشرفت در یک کشور در حال

توسعه را پیوسته در حالت التهاب و بحران نگه می‌دارد و....

لذا، آنچه محرز است این است که صرفاً با شناخت عمده‌ترین ویژگیهای این

سرزمین تاریخی و استفاده بهینه و علمی از آخرین دستاوردهای اقتصادی - سیاسی

در عرصه جهانی، امکان تحقق توسعه فراهم می‌شود و برنامه‌های مبتنی برچنین

دیدگاهی قابل اجرا خواهد بود.

اما نقش صادرات و اهمیت آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور بر کسی

پوشیده نیست. بسیاری از کشورها با استفاده از گسترش صادرات کالاهای خود و با

صادرات مجدد توانسته‌اند در نظام بین‌المللی به لحاظ سیاسی و اقتصادی منابع و

جایگاه مطلوبی کسب نمایند و حتی با این عمل بر ارتباط عمیق و ناگسستنی عوامل

اقتصادی با عوامل سیاسی صحنه گذاشته‌اند. در عین حال برای رسیدن به اهداف و

تداوم آن از هیچ‌گونه سرمایه‌گذرای و تلاشی دریغ نداشته‌اند.

اگرچه برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی کشور ما نیز در راستای تدوین

برنامه‌های توسعه اقتصادی، کمابیش بخش صادرات را مدنظر داشته‌اند و مراجعه به

برنامه‌های قبل و بخصوص بعد از انقلاب نشان از تأکید بر صادرات غیرنفتی دارد، اما به دلایل مختلف، از جمله اقتصاد مبتنی بر نفت و عدم سرمایه‌گذاری در راستای توسعه صادرات، طی ۵۰ سال گذشته اقتصاد کشور دچار بحرانهای متعددی بوده است.<sup>۲۰</sup> در برنامه سوم، صادرات کالاها و خدمات، از جمله اولویتهای سیاست اقتصادی کشور بوده و صادرات غیرنفتی می‌بایست با اهداف ذیل مدنظر قرار گرفته و گسترش یابد:

۱- کمک به اصلاح تراز پرداخت ارزی کشور و کاهش قابل توجه وابستگی تراز پرداختهای ارزی و بودجه عمومی کشور به ارز نفتی.

۲- کمک به ارتقاء کیفی و بهبود مدیریت کالاها و خدمات واحدهای تولیدی صنعتی، کشاورزی و خدماتی و همچنین به دست آوردن توان رقابت با کالاها و خدمات خارجی.

۳- افزایش سهم اقتصاد ایران و ارتقاء موقعیت آن در تجارت بین‌المللی و اقتصاد جهانی.

به نظر می‌رسد دستیابی به اهداف فوق نیازمند اجرای برنامه‌ها و تصمیماتی از جمله تشویق و توسعه صادرات با ارزش افزوده بالاتر، تسهیل مراحل و مقررات اجرایی برای صدور کالا، تهیه و تصویب فهرست کالاهای قابل صدور و جلوگیری از تغییر این فهرست در یک دوره معین و قابل قبول می‌باشد.

اگرچه استراتژی هدف‌دار و پایدار در توسعه صادرات یک ضرورت تاریخی در اقتصاد ایران تلقی می‌شود و در برنامه سوم این استراتژی مورد توجه قرار گرفته است، چنانچه شیوه‌های پرداختن به این مهم چون گذشته آثاری بر جای نگذارد تجربه‌های تلختری در آینده اقتصاد ایران دیوار خواهند کشید. در پایان موارد ذیل جهت پیشنهاد در روند فعالیتهای صادراتی ارائه می‌گردد.

- متمرکز کردن امور اداری و اجرایی صادرات در یک وزارتخانه.
- ایجاد زمینه برای فراهم‌سازی ساز و کارهای لازم برای پیوستن به

سازمان تجارت جهانی.

- انطباق سیاستهای صادراتی با سیاستهای پولی، ارزی و مالی کشور.
- افزایش سرمایه‌گذاری ارزی با استفاده از فن آوری جدید با هدف برگشت ارز حاصل از صادرات به صنایع کشور.
- ایجاد انگیزه‌های تجاری با هدف تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاریهای خارجی و داخلی بخصوص در بخش صنعت.
- تصویب قوانین معافیت مالیاتی، نرخ صادراتی، تعرفه‌های منطقی، آموزش و ایجاد تشکلهای واقعی صادراتی به منظور ایجاد تحرک در امور صادرات.
- به فعل در آوردن امکانات کسب درآمد ارزی کشور از طریق تغییر نگرش و سیاستهای موجود.
- افزایش سهم فعالیت بخش خصوصی در روند فعالیتهای صادراتی به منظور ایجاد رقابت و به وجود آوردن خلاقیتها در امر صادرات که در نهایت این امر موجب می‌شود سمت و سوی توسعه صادرات بهبود یابد.
- نظارت و ارزشیابی مستمر برنامه سوم توسعه و رفع کاستی‌ها در طی اجرای برنامه.<sup>(۱)</sup>

۱- گمرک ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران «صادرات»، ۱۳۷۸.

## پاروقی ها:

- ۱- ماهنامه اقتصادی و مالی بین الملل «اقتصاد ایران» سال اول ۱۳۷۸، شماره نهم، ص ۱۰.
- ۲- ابرار اقتصادی، «تاریخ و برنامه های توسعه اقتصادی ایران»، علیرضا احمدی، پنجشنبه ۶ اسفندماه ۱۳۷۷، ص ۳.
- ۳- همان: ص ۸.
- ۴- ابرار اقتصادی، شنبه ۸ اسفندماه ۱۳۷۷، ص ۵.
- ۵- همان: ص ۵.
- ۶- ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، انتشارات نی، ۱۳۶۷، صص ۶۱۱ و ۶۱۲.
- ۷- ابرار اقتصادی، «تاریخ و برنامه های توسعه اقتصادی ایران»، علیرضا احمدی، ۸ اسفندماه ۱۳۷۷، ص ۶.
- ۸- ماهنامه اقتصادی و مالی بین الملل «اقتصاد ایران» سال اول ۱۳۷۸، شماره نهم، ص ۳۹.
- ۹- پیام صادرات فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲، شماره ۷ و ۸، ص ۱۷.
- ۱۰- ابرار اقتصادی، «استراتژی نوین توسعه صادرات غیرنفتی»، اسمائیل کریمی دردشتی، یکشنبه ۱۸ مهر ۱۳۷۸، ص ۵.
- ۱۱- همان: ص ۵.
- ۱۲- پیشین: ماهنامه اقتصادی و مالی بین الملل «اقتصاد ایران»، سال اول ۱۳۷۸، شماره ۱۲، ص ۲۸.
- ۱۳- ماهنامه اقتصادی و مالی بین الملل «اقتصاد ایران» سال اول ۱۳۷۸، شماره نهم، ص ۵.
- ۱۴- ابرار اقتصادی، پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۷۹، ص ۴.
- ۱۵- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، «نقد لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ دولت»، علی اکبر نیکواقبال، شماره ۱۵۲ - ۱۵۱، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶.
- ۱۶- پیشین: «استراتژی نوین توسعه صادرات غیرنفتی»، ص ۶.
- ۱۷- گمرک جمهوری اسلامی ایران، «معاونت طرح و برنامه، آمار مفدماتی تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ۶ ماهه اول ۱۳۷۹، ص ۳.
- ۱۸- ابرار اقتصادی، «پیش شرطهای توسعه کدامند؟» مسعود خوشابی، سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۵.
- ۱۹- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه: ۱۳۷۰.
- ۲۰- نعمت الله متین، «مشکلات کشاورزی در اقتصاد ایران» پایان نامه دکتری، هندوستان: دانشکده اقتصاد دانشگاه بمبئی، ۱۳۷۱.